

به اهتمام محسن شهرنمازدار



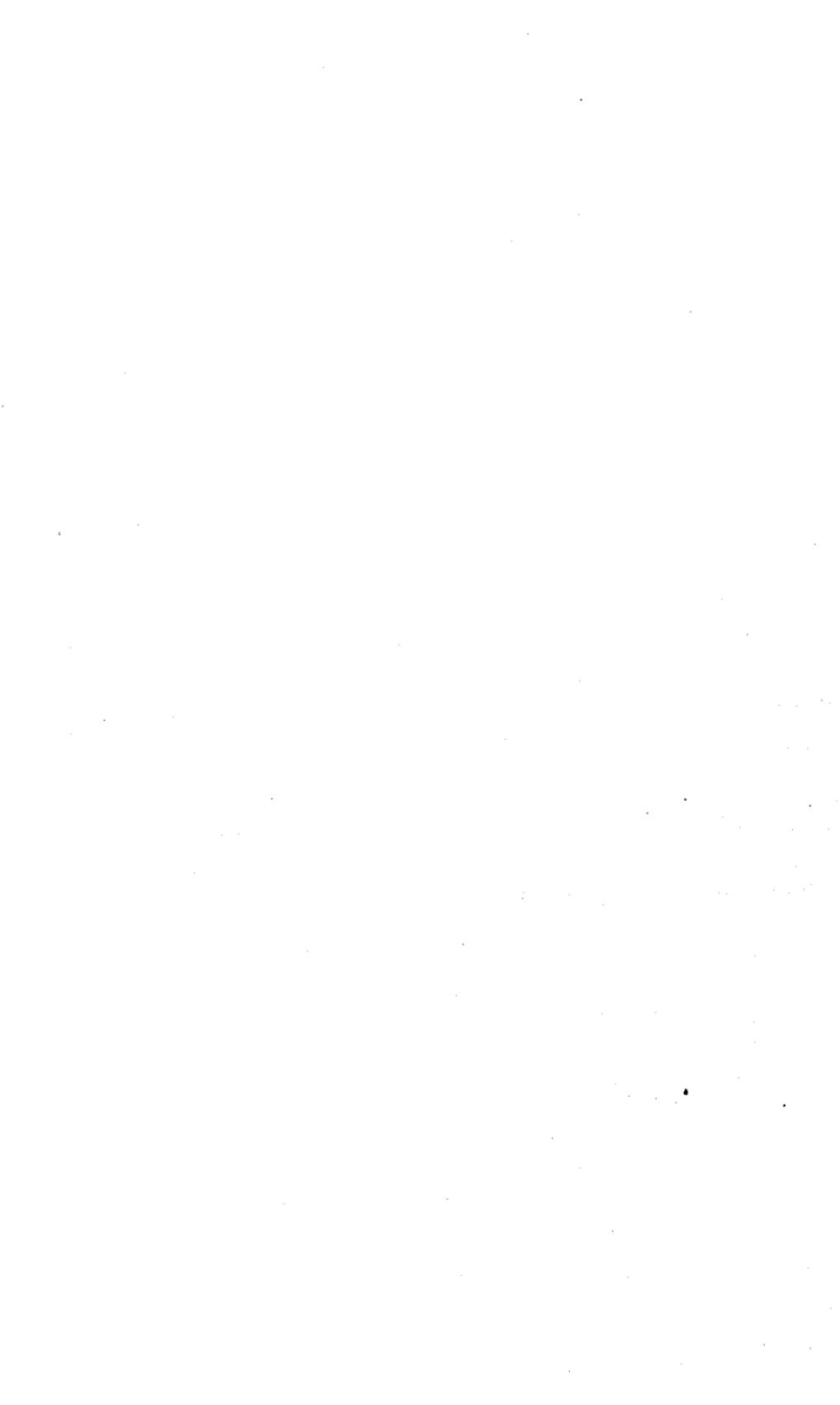
## سفرنامه‌های معاصر بلوچستان بخش سوم: ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۰ خورشیدی

محمد برقی، محمدسعید جانباللهی، ابراهیم مختاری  
کمال الدین غراب، محمدرضا درویشی، محسن شهرنمازدار



# سفرنامه‌های معاصر بلوچستان





## سفرنامه‌های معاصر بلوجستان

بخش سوم: ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۰ خورشیدی

محمد برقی، محمدسعید جانباللهی، ابراهیم مختاری  
کمال الدین غراب، محمدرضا درویشی، محسن شهرنازdar

به اهتمام محسن شهرنازدار



آبی پارسی  
دل فیروزه  
۱۳۹۸

این کتاب با حمایت  
سازمان منطقه آزاد چابهار  
 منتشر شده است.



سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۴ -- خاطرات  
Politicians, Iranian -- 20th century - Diaries\*

موضوع

شهرنمازدار، محسن - ۱۳۵۶

بلوچستان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴  
Baluchistan -- Social conditions -- 20th century

موضوع

منطقه‌نامه‌های معاصر بلوچستان / به اهتمام محسن شهرنمازدار.

بلوچستان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۳  
Baluchistan -- Social conditions -- 19th century

موضوع

مشخصات ظاهري ۳-ج: ۲۴۷ ص: ۷ + ۲۱\*۱۴.۷

بلوچستان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۲  
Baluchistan -- Social conditions -- 19th century

موضوع

مشخصات ظاهري ۳-ج: ۲۴۷ ص: ۶

بلوچستان -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴  
Baluchistan -- Politics and government -- 20th century

موضوع

پژوهش‌های ایران فرهنگی ۶

سیستان و بلوچستان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴  
Sistan and Baluchestan (Iran: Province) --

موضوع

فروست ۱: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۲۱-۵-۴

Social conditions -- 20th century  
Sistan and Baluchestan -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴

موضوع

فروست ۲: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۲۱-۶-۱

کرمان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴  
Kerman (Iran) -- Social conditions -- 20th century

موضوع

فروست ۳: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۲۱-۷-۸

ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷  
Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1978

موضوع

فروست نویس پایا

DSR ۲۰۱۹

ردۀ بندۀ کنگره

متذکرات

۹۵۰/۷۴

ردۀ بندۀ درویش

دیبا رضاعلی دیوان‌بیکی، فرج‌الله فرد، سرتیپ محمود

۷۲۳۰/۳۸۳

شماره کتابشناسی ملی

ایمین - ج: ۱۳۵۱ - ۱۳۵۱

فیا

وضعیت رکورد

خورشیدی حسین ملک،

۱۳۹۹ چاپ یکم:

شماره ۷۰۰

شماره گان:

۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۲۱-۷-۸

شایک:

نحوه پردازی:

آثایه آبی پارسی

آماده‌سازی فنی:

موسسه آبی پارسی

تصویر روی جلد: یک قایق کوچک ماهیگیری در چابهار  
عکاس: حسین پرتوی از سفرنامه بلوچستان بادگار مطرود قرون

نشان: تهران- خیابان پاسداران- خیابان آخوند (برستان دوم)- پلاک ۲۷- زنجیر ۱/ کد پستی: ۱۶۶۴۶۵۱۱۱/ تلفن: ۰۲۱۲۲۷۶۹۱۴۸ / وبسایت: pbinstiute.ir

بازنثر این اثر یا قسمی از آن به هر شیوه، نیاز به دریافت اجازه رسمی و مکتوب از ناشر دارد.

## سفرنامه‌های معاصر بلوچستان؟

بخش سوم: ۱۳۵۱ تا ۱۳۸۰ خورشیدی

محمد برقی، محمدسعید جانباللهی

ابراهیم مختاری، کمال الدین غراب

محمد رضا درویشی، محسن شهرنمازدار

به اهتمام محسن شهرنمازدار

موسسه آبی پارسی؛ انتشارات پل فیروزه

موضوع

موسوعه

موسوعه

موسوعه

## فهرست

۷		سخن ناشر
۱۳	محسن شهرنازد	مقدمه
۲۹	محمد برقی	نظری به بلوچستان
۱۴۵	محمد سعید جانباللهی	بلوچستان ۱۳۵۶
۱۹۱	ابراهیم مختاری	نان بلوجی
۲۲۳	کمال الدین غراب	بلوچستان یادگار مطروود قرون
۳۳۵	محمد سعید جانباللهی	سفرنامه سراوان
۳۷۷	لحظه‌های کوتاه فراموشی و خیال	محمد رضا درویشی
۳۹۱	محسن شهرنازد	دو سفرنامه بلوچستان
۴۲۵		نمایه



## سخن ناشر

مؤسسه آبی پارسی برای جبران کمبود منابع پژوهشی درخصوص معرفی و شناساندن تاریخ و فرهنگ غنی بلوچستان، بخش نخست مجموعه کتب «پژوهش‌های ایران فرهنگی» را به انتشار بیست و دو عنوان کتاب شامل تألیف، ترجمه، استتساخ و گردآوری منابع مهم و بنیادین درباره این منطقه از ایران اختصاص داده است. دبیر این مجموعه سترگ آقای محسن شهرنازد از پژوهشگر حوزه انسان‌شناسی و مطالعات قومی هستند که در طی دو دهه گذشته موضوع بلوچستان را از خلال پژوهش‌های میدانی و نیز مطالعات کتابخانه‌ای دنبال کرده‌اند و عهده‌دار این مسئولیت مهم شده‌اند. ایشان از اواسط دهه هشتاد، در صدد انجام این پروژه و نیز تدوین دانشنامه فرهنگ و جغرافیای بلوچستان بوده‌اند.

عناوین و شرح مجلدات این مجموعه در بخش‌های مختلف عبارتند از:

### مطالعات تاریخی و فرهنگ‌شناسخی:

بلوچستان در دانشنامه ایرانیکا: زیر نظر دبیر مجموعه، علاوه بر ترجمه نه مدخل مرتبط به تاریخ و فرهنگ بلوچستان از دانشنامه ایرانیکا، شامل تکمله‌هایی تألیفی بر هر مدخل است که توسط افراد متخصص در موضوع همان مدخل نوشته شده و کاستی‌های اطلاعات مداخل ایرانیکا را کامل می‌کند و یا اطلاعات تازه‌ای به آن می‌افزاید. این کتاب برای پژوهشگران مسائل تاریخ و فرهنگ بلوچستان، منبعی مهم و حائز اهمیت به شمار می‌رود.

## بلوچستان و تاریخ مکران ایران ۱۹۰۶ - ۱۶۰۰ در کتاب جان گوردون

لوریمر: شامل بخش‌های مربوط به بلوچستان در کتاب یادمانی و ارزشمند راهنمای خلیج فارس جان گوردون لوریمر دیپلمات و تاریخ‌نگار بریتانیایی است که علاوه بر تاریخ تحولات سیاسی منطقه از ابتدای قرن هفدهم میلادی تا سال‌های نخستین سده بیستم (همزمان با انقلاب مشروطه) به جغرافیای روسیایی منطقه بلوچستان می‌پردازد و به خواننده اطلاعات ارزشمندی از وضعیت منطقه در ابتدای سده بیستم ارائه می‌دهد.

**مقالات تاریخی و انسان‌شناسی بلوچستان:** در دو مجلد زیر نظر دیر مجموعه گردآوری شده و دربرگیرنده مهم‌ترین مقالات پژوهشی تاریخی و انسان‌شناسی طی دهه‌های گوناگون سده بیستم است که به شناخت بیشتر ما از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بلوچستان از نگاه محققان غیر ایرانی می‌انجامد.

**بلوچ و دیگران و بلوچ و همسایگان:** عنوان ترجمه دو کتاب در حوزه مباحث گوناگون زبان‌شناسی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای این حوزه است که در سمپوزیوم‌های زبان‌شناسی بلوچ در دانشگاه اوپسالا ارائه شده و زیر نظر خانم کارینا جهانی، اگنس کورن و پل تیتوس در دو مجلد مدون شده است. اشعار مردمی بلوچ نوشته لانگ ورت دیمز: کتاب مهمی که دیمز در نیمه دوم قرن نوزدهم آن را در بریتانیا منتشر کرده و حاوی منظومه‌ها و اشعار بلوچی، با توصیفی از ادبیات بلوچستان است.

**کاوش در تپه بمپور:** گزارش مفصلی از کاوش‌های باستان‌شناسی بناتریس دکاری باستان‌شناس شهری بریتانیایی در یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیش از تاریخ بلوچستان است که پس از نیم قرن ترجمه شده و در اختیار مخاطب فارسی زبان قرار گرفته است.

**هشت گفتار در باستان‌شناسی و تاریخ سیستان و بلوچستان:** اثر دکتر سیدمنصور سیدسجادی از باستان‌شناسان فاضل و سرپرست هیئت کاوش شهر سوخته است. این کتاب در هشت فصل علاوه بر دو متن تاریخی درباره بلوچستان، به معرفی جغرافیای تاریخی منطقه از عصر باستان تا دوران اسلامی

می پردازد و هر چند پیش تر منتشر شده، اما در این چاپ آخرین دستاوردها و یافته های کاوش های باستان شناختی سالیان اخیر شهر سوخته در دو فصل تازه تشریح شده است.

### سفرنامه های ایرانی:

بلوچستان در سیاحت نامه های عصر قاجار: در دو مجلد شامل سفرنامه های حکام و سیاستمداران ایرانی به منطقه بلوچستان است که نگاه رجال سیاسی به منطقه و سیاست های حکومت قاجار در قبال بلوچستان را برای خواننده ترسیم می کند و همزمان چشم اندازی از وضعیت معیشتی مردم و آبادی های بلوچستان را ارائه می دهد.

سفرنامه های معاصر بلوچستان: در سه مجلد دربرگیرنده نگاه نویسنده گان و پژوهندگان، رجال فرهنگی، سیاسی و نظامی به این منطقه طی یک قرن است که از سال های پایانی حکومت قاجار و انقلاب مشروطه ایران آغاز می شود و تا دهه هشتاد خورشیدی ادامه می یابد.

### سفرنامه های غیر ایرانی:

بلوچستان ناکاویده: عنوان کتابی از ارنست فلوبیر افسر بریتانیایی مسئول ایستگاه تلگراف جاسک است که شرح سفر او از ژانویه ۱۸۷۶ تا می ۱۸۷۷ میلادی را در بر دارد و حاوی اطلاعات ذی قیمتی از اوضاع اقلیمی و جغرافیایی و اقتصادی بلوچستان در سده نوزدهم است. متن اصلی نخستین بار در سال ۱۸۸۲ در لندن منتشر شده است.

سرگشته در بلوچستان: این کتاب مشاهدات ژنال مک گرگور، افسر عالی رتبه ارتش بریتانیا در هند، در دهه های پایانی سده نوزدهم در بلوچستان و تشریح سیاست های حکومت استعماری بریتانیا در منطقه است. سرگشته در بلوچستان نیز نخستین بار در ۱۸۸۲ انتشار یافته شده و پس از قریب به صد و چهل سال به فارسی برگردانده شده است.

**سه سفرنامه بلوچستان:** شامل شرح سه سفر از سر پرسی سایکس در حدفاصل سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۱ به بلوچستان است. سایکس یکی از مؤثرترین کارگزاران سیاسی بریتانیا در ایران آن دوران بوده است.

**بلوچستان در سفرنامه‌های اروپاییان:** شامل شش سفرنامه از کارگزاران، سیاحان و پژوهشگران خارجی است که حدفاصل نیمه قرن نوزدهم تا دهه‌های میانی سده بیستم به بلوچستان سفر کرده‌اند و شرح سفر خود را نوشته‌اند. این مجلد شامل سفرنامه‌های کاپیتان گرانت، گاستیگر، الا سایکس، اسکراین، گابریل و بالسان است.

#### استناد:

**بلوچستان در استناد بریتانیا:** گزیده استناد آرشیو وزارت خارجه بریتانیا در دو مجلد که شامل گزارش‌های نظامی-امنیتی و سیاسی محربمانه بریتانیا در خصوص منطقه بلوچستان در سه دهه پایانی سده نوزدهم و سال‌های نخست سده بیستم است. این مجموعه علاوه بر اطلاعاتی که در خصوص مباحث سیاسی، نظامی و امنیتی منطقه دارد، شامل اطلاعات ارزشمندی در حوزه اقتصاد، کشاورزی، زندگی روستایی و وضعیت قبایل در بلوچستان است.

**بلوچستان در عصر قاجار؛ گزیده جراید و مطبوعات:** عنوان کتابی است شامل مدارک و استناد و گزارش‌های برگزیده از خلال اهم اخبار، مقالات و یادداشت‌های مربوط به بلوچستان در مطبوعات عصر قاجار.

**بلوچستان در عصر پهلوی اول؛ گزیده جراید و مطبوعات:** شامل مدارک و استناد و گزارش‌های برگزیده این دوران از مطبوعات عصر پهلوی اول است که به همت پژوهشگر این عرصه، آقای مسعود کوهستانی نژاد، گردآوری شده است.

**بلوچستان در استناد آرشیو ملی:** گزیده‌ای از استناد دوره قاجار و پهلوی درباره بلوچستان در آرشیو ملی است که دربردارنده استناد مرتبط با مباحث و موضوعات مندرج در همه مجلدات این مجموعه است و به عنوان متبوعی

دست اول برای پژوهشگران مطالعات تاریخ معاصر در حوزه بلوچستان کارکرده  
مهم دارد.

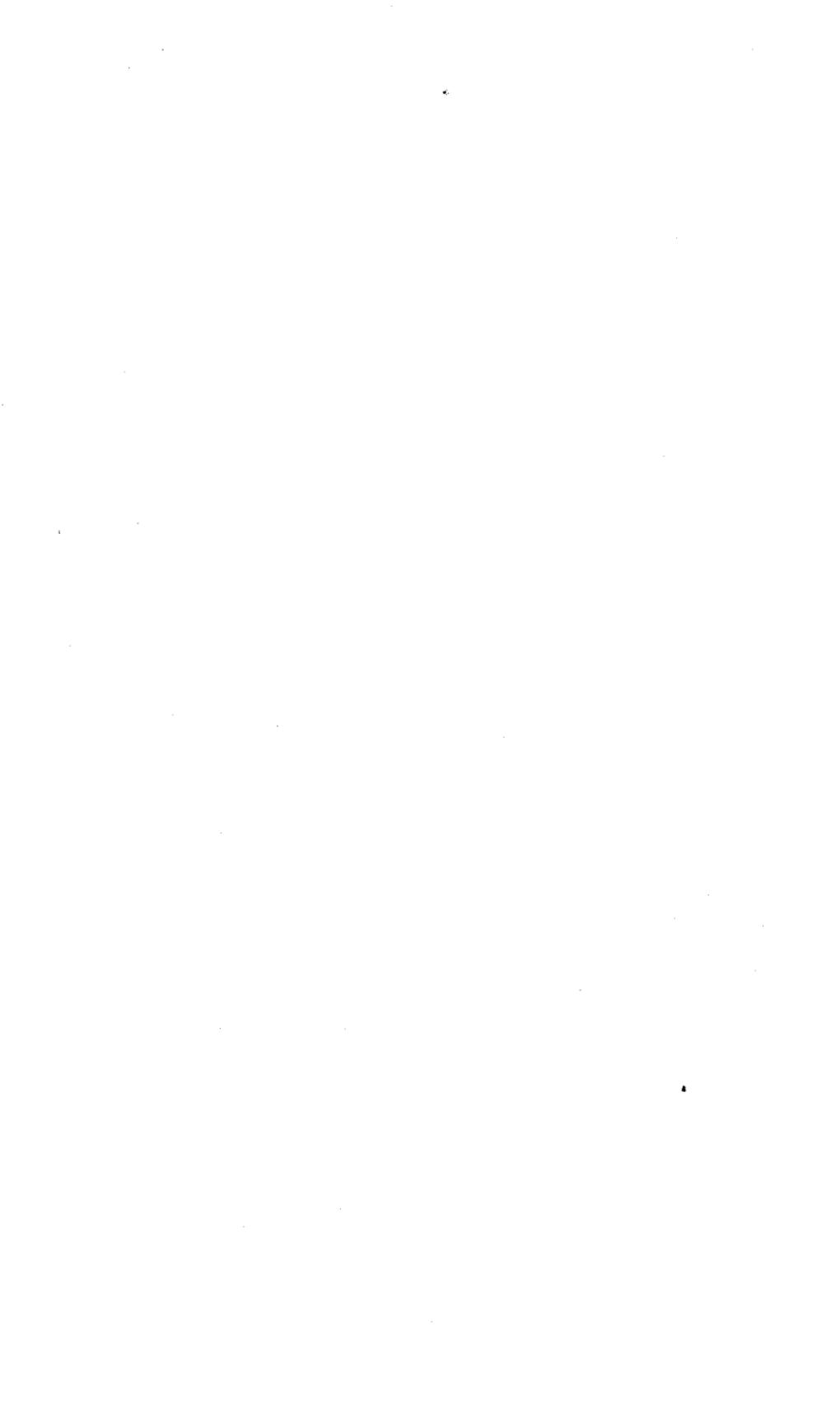
هدف از طراحی این مجموعه و انتخاب عنوانین مذکور، مرتفع ساختن فقر و خلا  
منابع موثق و قابل اتکا در حوزه مطالعات بلوچستان بود؛ کاری که از عهده و توان  
یک موسسه خصوصی خارج است و انجام آن بسیار زمانبر. اما با این وصف  
به همت و مساعدت سازمان منطقه آزاد چابهار و بهخصوص دکتر عبدالرحیم  
کردی مدیرعامل منطقه آزاد که در قالب مستولیت اجتماعی از این طرح حمایت  
کرد و همچنین اهتمام و جدیت شبانه روزی و بی وقفه دبیر مجموعه و نیز تلاش  
پیوسته همکاران ما در مؤسسه آبی پارسی، تولید محظوا و آماده سازی نهایی  
بیست و دو عنوان کتاب مذکور در کمتر از دو سال صورت گرفته است.

همچنان که صائب فرمود:

می توان رفت به یک چشم پریدن تا مصر  
بوی پیراهن اگر قافله سالار شود

عشق به میهن، دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور و تلاش برای حفظ  
و پاسداشت و معرفی تاریخ و مواریث فرهنگی ایران زمین موجب شد تا همه  
سختی ها و مصائب، از گرانی مواد اولیه و هزینه های چاپ و کسادی بازار کتاب  
به خاطر فraigیری بیماری کرونا و سایر موانع ... را پشت سر بگذاریم.  
سوانجام به مصدق «زهر باید خورد و انگارید قند» کام مان به خاطر به انجام  
رسانیدن یک «پروره ملی» شیرین است.

موسسه آبی پارسی



## مقدمه

آهنگ تحولات اجتماعی و فرهنگی در بلوچستان از اوخر دهه چهل شتاب می‌گیرد. این شتاب در دهه پنجاه با تغییر در شاخص‌های جمعیت‌شناسی و دگرگونی فرهنگی در این منطقه قابل مشاهده و توصیف است؛ از یک‌سو روزبه‌روز بر جمعیت شهری بلوچستان افزوده می‌شد و از سوی دیگر تغییرات فرهنگی عمیق در جامعه بلوچ در حال وقوع بود.

رشد جمعیت شهری سیستان و بلوچستان که در آخرین سرشماری ۱۳۴۵ به ۱۷ درصد رسیده بود، در آخرین سرشماری پیش از انقلاب در سال ۵۵ به ۲۶ درصد رسید. جمعیت استان در اوخر دهه چهل بالغ بر پانصدوسی هزار نفر بوده است.

سرانه فرهنگی در بلوچستان رو به افزایش بود و توسعه نهادهای فرهنگی همچون مدارس و مراکز آموزش عالی، سازمان‌های اداری و دولتی و نهادهای قانون‌گذاری و اجرای قوانین و همچنین تغییر در سطح دسترسی به اطلاعات با ظهور رسانه‌های جدید همچون رادیو و تلوزیون و... زمینه تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی جامعه بلوچستان را فراهم کرده بود. در عین حال علاوه بر گروههای عمومی متعددی که در مأموریت‌های دولتی و در قالب کارمندان ادارات مختلف به این استان آمده بودند، تأسیس تربیت معلم و بعد دانشگاه سیستان و بلوچستان و حضور قشر دانشگاهی اعم از استادان و دانشجویان، رفتارهای تأثیر بسزایی در روند تغییرات فرهنگی استان ایفا می‌کرد. در عین حال فرصت تازه‌ای برای تغییر نظام قشربندی از طریق تحصیلات عالی

در بلوچستان فراهم شده بود که تا پیش از آن ناممکن می‌نمود. به طوری که تعداد دانشجویان بلوچ که تا میانه دهه چهل از تعداد انگلستان دست تجاوز نمی‌کرد، تا دهه پنجاه افزایشی چشمگیر یافت.

هرچند در برنامه پنجم عمرانی کشور، سهم اعتبارات برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی کرمان و سیستان و بلوچستان در سرمایه‌گذاری‌های خاص ناحیه‌ای که با هدف تحقق رشد متعادل‌تر نواحی یازده‌گانه ایران در این دوران در نظر گرفته شده، همچنان کم بود و در رتبه هشتم قرار داشت. از جمله، موضوع راه همچنان از موانع اصلی توسعه بود. به طوری که در برنامه پنجم به جز ۴۵ کیلومتر راه زاهدان به زابل و بیرجند، هیچ‌گونه پیش‌بینی عملیات جدید راهسازی که نیاز مبرم استان محسوب می‌شد در نظر گرفته نشده بود.<sup>۱</sup> با این حال افزایش تولید ناخالص ملی در طی برنامه چهارم و آهنگ سریع رشد و افزایش سالانه آن در طی برنامه پنجم و افزایش اعتبارات عمومی کشاورزی، صنعت، مسکن، آموزش و بهداشت در نسبت با برنامه چهارم، سرعت تحولات اجتماعی و اقتصادی بلوچستان در طی سال‌های میانی دهه پنجاه را افزایش داده بود. باید خاطرنشان کرد پترودلار<sup>۲</sup> در این دوره از توسعه ایران در تغییرات اقتصادی و اجتماعی جوامع قومی از جمله بلوچستان نقشی چشمگیر داشته است.

از طرفی رقابت‌های سیاسی منطقه‌ای در این سال‌ها بر روند تغییرات اجتماعی و فرهنگی بلوچستان اثر می‌گذاشت. به طوری که نخستین جنبش‌های سیاسی جدایی طلب با حمایت حزببعث عراق در اواخر دهه چهل در بلوچستان شکل گرفت. قدرت‌های منطقه‌ای ایران به خصوص در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و نیز عراق و سوریه در غرب، با تحریک افکار عمومی و گروه‌های سیاسی در خوزستان و بلوچستان، در صدد ایجاد تفرقه قومی و مذهبی در ایران برآمدند. به طوری که دمشق و بغداد بدل به پایگاه مهم مخالفان سیاسی و احزاب

۱. خلاصه برنامه پنجم عمرانی کشور ۱۳۵۶-۱۳۵۲، مصوب کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی، اردیبهشت ۱۳۵۲ صص ۴۳۶۳ و ۴۴۷۲

2. Petrodollar

مورد حمایت حزب بعث این دو کشور شد. تشکیل جبهه آزادی بخش بلوج و حزب دموکراتیک بلوچستان در عراق این دوران از جمله نتایج این تحریکات سیاسی است. در دوران عبدالکریم قاسم، رادیو بغداد رسانه‌ای فراگیر عليه حکومت پهلوی بود و سهم مهمی برای مخالفان حکومت داشت؛ به طوری که به تربیون اصلی صدای روحانیت مبارز ایران برای پخش بیانیه‌ها و پیام‌های صوتی رهبران مذهبی مخالف حکومت بدل شد. در عین حال رادیو بغداد در این دوران برنامه‌هایی را نیز به مسائل قومی و سیاسی بلوچستان اختصاص داده و صدای جبهه آزادی بخش بلوج و حزب دموکراتیک بلوچستان بود. ارتباط معنادار متلاشی شدن این احزاب در عراق با انعقاد عهدنامه الجزایر میان شاه و صدام حسین در ۱۹۷۵ سندی است که مداخلات سیاسی بیگانگان در آشوب‌های قومی ایران را تأیید می‌کند. اما هر چه که بود، برای نخستین بار اندیشهٔ حزبی و کارکرد تشکیلات سیاسی در جامعهٔ بلوج پا گرفت، تا آنجا که حتی طیف روحانیت سنتی بلوچستان در دههٔ پنجاه حزب سیاسی تشکیل داد.

با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، قشربندی و نظام اجتماعی بلوچستان به طورکلی دگرگون شد. شعائر انقلابی حمایت از مستضعفان، طبقات فروندست جوامع قومی ایران را مورد توجه قرار داده بود و در بلوچستان به فراخور این تحولات روزبه روز از قدرت سرداران بلوج کاسته می‌شد. تحصیلکردنگان مذهبی و مراکز دینی و مولوی‌های بلوج که تا پیش از این در سلسلهٔ مراتب نظام اجتماعی قومی زیرمجموعهٔ طوایف طبقه‌بندی می‌شدند، به عنوان نمایندگان مذهب در جامعه سنتی بلوج، اقتدار و استقلال سیاسی یافتد و به عنوان طبقه‌ای قدرتمند در برابر سرداران قرار گرفتند. هر چند نباید فراموش کرد که این گروه به خصوص در دورهٔ پهلوی از طریق تحصیلات مذهبی در هند اقتدار اجتماعی تازه‌ای یافته بودند. به هر تقدیر در فاصلهٔ کوتاهی، کاست و نظام قشربندی دیرپایی جامعهٔ بلوج بر اساس الگوهای تازهٔ نظام اجتماعی ناشی از انقلاب تغییراتی جدی کرد. در عین حال مهاجرت روستا به شهر و توسعهٔ جوامع شهری بلوج آهنگ تندتری گرفت و در دههٔ هشتاد به پنجاه درصد رسید. این ارقام را در تغییر پرشتاب

صورت اجتماعی و ترکیب جمعیتی شهرها بهخصوص در زاهدان به عنوان مرکز استان می‌توان مشاهده کرد.

موج دیگری از تغییرات جمعیتی ناشی از دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی در دهه هفتاد روی داد به طوری که همزمان با جابه‌جایی جمعیت روستایی به شهرها، بسیاری از بومیان قدیمی مهاجر که اجدادشان از روزهای نخست شکل‌گیری شهر زاهدان در آن می‌زیستند، به استان‌های دیگر ایران بهخصوص خراسان مهاجرت کردند.

توسعه سرانه آموزش و تأسیس دانشگاه آزاد در شهرهای مختلف استان از عوامل دیگر تغییرات فرهنگی بود و سرعت تحولات اجتماعی در بلوچستان را افزایش می‌داد. کافیست تصور کنید از طبقات مختلف جامعه بلوچ، نمایندگانی از نسل جدید در فضای مشترکی بدون قواعد قشریندی جامعه سنتی کنار هم می‌نشینند، با یکدیگر مراوده دارند و رقابت می‌کنند و یا به هم علاقه‌مند می‌شوند! این آغازی بر پایان یک دوره تاریخی بود که مردمان این خطه از ایران را با سرعتی شگفت‌آور به‌سوی تغییرات فرهنگی و اجتماعی عمیق پیش می‌برد. تحرک اجتماعی جامعه زنان بلوچ که در یک دهه گذشته آشکار و عیان شده، از جمله نتایج این تغییرات مهم و سرنوشت‌ساز بوده است. تغییراتی که بخش‌هایی از روند شکل‌گیری آن در سومین مجلد سفرنامه‌های معاصر بلوچستان در حدفاصل دهه پنجاه تا هشتاد خورشیدی منعکس شده است.

مجلد سوم سفرنامه‌های معاصر بلوچستان با سفرنامه محمد برقعی جامعه‌شناس و مردم‌شناس آغاز می‌شود. دکتر محمد برقعی متولد ۱۳۲۱ است؛ در دانشگاه اصفهان زبان و ادبیات انگلیسی خوانده و سپس در رشته علوم اجتماعی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داده است. او از دانشگاه منچستر انگلستان نیز دکترای جامعه‌شناسی دارد. آن‌طور که خود می‌گوید از نوجوانی همواره شوق سفر داشته و به بسیاری از مناطق ایران سفر کرده است. وجود برخی هم‌کلاسی‌های بلوچ در دوره تحصیل و پس از آن خدمت نظام وظیفه در کرمان و آشنازی با بلوچ‌های آن دیار، انگیزه سفر به

بلوچستان را در او تقویت می‌کند. تا آنکه برای انجام خدمت نظام وظیفه ساکن کرمان می‌شود و چنان‌که خود نوشته، در قهوه‌خانه‌ای که هر شب چند ساعتی را در آنجا می‌گذراند با بلوچ‌های مسافر آشناتر می‌شود و همین آشنایی‌ها شوق سفر به بلوچستان را در او بیدار می‌کند. اما سفر به بلوچستان شباهتی با سفرهای دیگر او نداشته و به قول خودش اورا پاگیر کرده است؛ به طوری که سال‌های متعددی زندگی خود را در آنجا گذراند و چندین سال به آن سرزمین سفر کرده است. برقی در مقدمه کتاب نظری به بلوچستان در این باره می‌نویسد:

در این گسترده‌خاک که ایرانش گویند، طبیعت، مردم، زندگی، فرهنگ، دگرگونه چهره‌ها دارند. کوههای پوشیده از جنگل شمال و کویر سوزان لوت، دشت‌های حاصلخیز شمال و غرب و بیابان‌های بی‌انتها و خشک جنوب و شرق و مرکز، کرد است و ترکمن، قشقایی و بختیاری و بلوچ و هر یک آنچنان متفاوت که گویی از ملت‌های مختلف‌اند و بلوچ از همه ناشناخته‌تر. به بلوچستان که می‌روی، گویی به دیاری دیگر قدم گذاشته‌ای. قومی را شاهدی که از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و کوتاه آنکه از تمام جهات، از سایر ایرانیان متمایزند.

نظری به بلوچستان در ۱۳۵۱ نوشته شده است. پس از نگارش این سفرنامه، محمد برقی در منطقه‌ای از فنوج و در روستایی به نام گیران از دهستان گُتیج که بیش از صد خانوار دارد، تجربه مردم‌شناختی بسیار متفاوتی را رقم می‌زند. او می‌گوید: «در این آبادی هیچ‌کدام از اهالی سواد خواندن و نوشتن نداشتند، کسی شناسنامه نداشت و هرگز کسی قرص و دارویی مصرف نکرده بود. مردمانی بودند که هیچ شناختی از جهان پیرامون نداشتند؛ کسی نام مشروطه را نشنیده بود و کسی از ملی شدن صنعت نفت خبر نداشت...» این روایت نشان می‌دهد که در بلوچستان دهه پنجاه، همچنان مناطقی در پایین‌ترین سطح توسعه قرار داشته است. به همت او و با مساعدت برخی مسئولین عالی‌رتبه برای تمامی اهالی این روستا شناسنامه می‌گیرند، سیستم آب شرب روستا را اصلاح می‌کنند و به مداوای

بیماری‌های عمومی اهالی روستا می‌پردازند. اما مهم‌ترین دستاوردهای برقوعی در این روستا در موضوع آموزش تجلی یافته است. او در این روستا مدرسه‌ای دایر می‌کند که یک نمونه ویژه از آموزش مشارکتی و تجربه‌ای موفق بر اساس الگوی آموزش‌های غیررسمی بوده است. در آن دوران ایوان ایلیچ متفسکر و نظریه‌پرداز اتریشی که با اثر جنجالی خود مدرسه‌زدایی از جامعه، در کارکردهای سازنده نظام‌های آموزشی تشکیک ایجاد کرده و بدکارکردی آموزش‌های رسمی مدارس را گوشزد کرده بود، مورد توجه برقوعی قرار داشت. او در یکی از سمینارهای ایوان ایلیچ شرکت می‌کند و تجربه خود را با او در میان می‌گذارد. ایلیچ مدرسه برقوعی را صورت تحقیق‌یافته و عملی نظریه خود قلمداد می‌کند.

دیری نمی‌پاید که آوازه فعالیت او در بلوچستان حساسیت امنیتی ایجاد می‌کند، تا جایی که از رفتن به بلوچستان منع می‌شود. به تهران بازمی‌گردد و پس از مدتی در وزارت تعاون و در بخش امور روستاهای مشغول به کار می‌شود. حالا او تنها متخصص امور روستایی است که تجربه حقیقی زندگی و مطالعه مشارکتی در روستا را داشته است. در این سال‌ها برقوعی علاوه بر نگارش نظری به بلوچستان، کتاب مهم دیگری با عنوان حکومت محلی بنت می‌نویسد که در آن به خوبی نظام قشربندی اجتماعی جامعه بلوچ را مورد بررسی قرار داده است. پس از آن به استخدام دانشگاه ابن‌سینای همدان درمی‌آید و از طریق مساعدت مدیر وقت این دانشگاه که ارتباطاتی دارد، دوباره فرصت رفتن به بلوچستان را بازمی‌یابد. با وقوع انقلاب اسلامی محمد برقوعی که با جریان ملی-مذهبی ایران مرتبط است و حالا متخصص امور توسعه بلوچستان قلمداد می‌شود، پیشنهاد استانداری بلوچستان را می‌گیرد و حکم آن را وزیر وقت کشور نیز تأیید می‌کند. اما این پیشنهاد را به دلایل نمی‌پذیرد و در نهایت در دهه شصت برای همیشه از ایران می‌رود. امروزه او ساکن امریکا است و در این سال‌ها کتاب سکولاریسم از نظر تأثیر را نوشته است.

نظری به بلوچستان دو بخش دارد، بخش نخست، نگاهی به پیشینه تاریخی بلوچستان انداخته که در این مجموعه نیامده است. بخش دوم شامل سفرنامه‌ای

در محدوده بررسی او از بلوچستان است: «از شمال به ایرانشهر و کوه‌های کارواندر (حدفاصل سرحد و مکران) از جنوب به چابهار و دشتیاری، از غرب به سراوان و بشاغرد و در ورای آن‌ها پاکستان و از مشرق به بزمان و سپس استان کرمان و استان ساحلی» و بدون مقدمه در این کتاب بازنثر شده است.

سفرنامه برقعی یک سال پیش از شروع برنامه پنجم عمرانی نوشته شده و او به همین سبب در مقدمه کتاب به تحولات اقتصادی پس از نگارش سفرنامه اشاره می‌کند و می‌نویسد:

در آخرین سفرم در بهار امسال شاهد فعالیت شدید و چشمگیر دولت در امر راهسازی و بنای فروندگاهی بزرگ در چاهبهار بودم. امید می‌رود که به زودی بلوچستان هم خوزستانی دیگر شود و مردم بومی آن از موهب طبیعی و پنهان سرزمنیشان برخوردار شوند و در کنار سایر هموطنانشان رفاه و ترقی روزافزون ملت و مملکتشان را شاهد باشند.

در سفرنامه برقعی آرمان خواهی روشنفکران انقلابی به روشنی منعکس شده است. با این تفاوت که او آرمان را با عمل درمی‌آمیزد و با اجرای برنامه متفاوتی برای توسعه روستای گیران، امکان عملی اندیشه‌های آرمان خواهانه در امر توسعه را به اثبات می‌رساند.

محمدسعید جانباللهی فیروزآبادی دومین مسافر در سومین مجلد سفرنامه‌های معاصر است. جانباللهی را به حق باید یکی از پرکارترین مردم‌نگاران ایرانی در دهه اخیر دانست. مردم‌شناسی مبتنی بر مشاهده و حضور در میدان، آثار او را به منابع مهمی برای مطالعات فرهنگ قومی در ایران بدل کرده است. گرچه در جوانی حکمت و فلسفه می‌خوانده، اما از دوران تحصیل، با سازمان فرهنگ و مردم رادیو تلویزیون ملی ایران، که توسط انجوی شیرازی اداره می‌شد، همکاری داشته است. خمیرمایه بخش قابل توجهی از آثار او درباره فرهنگ مناطق کویری ایران از جمله بیزد و میبد، نتیجه محتوای گردآوری شده برای برنامه فرهنگ مردم است. جانباللهی از انجوی شیرازی یاد می‌کند که انگیزه اصلی و شوق و ذوق مردم‌شناسی را در او

به وجود می آورد و پس از پایان تحصیلات در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، با همین شوق و زمینه آشنایی نسبت به مردم‌شناسی، در مرکز مردم‌شناسی وزارت فرهنگ و هنر استخدام می‌شد. این مرکز در دهه پنجاه ارتباطات جهانی بسیار مؤثری برای مطالعات فرهنگ‌شناسی و مردم‌شناسی داشت، تا آنجا که به دادوستد و مبادله پژوهشگر می‌پرداخت. در دهه پنجاه همواره پژوهندگانی از اقصی نقاط جهان برای مطالعه درباره فرهنگ ایران به مناطق مختلف سفر می‌کردند و متقابلاً محققان ایرانی فرصت‌های مطالعاتی ویژه‌ای برای پژوهش در زمینه مردم‌شناسی کشورهای دیگر داشتند.

مرکز مردم‌شناسی بخشی به عنوان عشاير ایران داشت و محمدسعید جانب‌اللهی کارشناس عشاير این بخش بود. نخستین سفر به بلوچستان مأموریتی سه‌ماهه از سوی این بخش در مرکز مردم‌شناسی ایران است. جانب‌اللهی می‌گوید: «همین سفر کافی بود تا گرفتار خاک دامنگیر آن سرزمین شوم». پس از این سفر در طول چند دهه بعد، او سفر به سیستان و بلوچستان را با هزینه شخصی و گاه با مأموریت‌های پراکنده پی می‌گیرد. حاصل این سفرها در کتاب سفرنامه‌های مردم‌شناسی سیستان و بلوچستان منعکس شده که مجموعه‌ای از گزارش‌های مردم‌شناسی او از دهه پنجاه تا دهه هشتاد را در بر گرفته و در دو مجلد به چاپ رسیده است. جانب‌اللهی بعدها برای آشنایی بیشتر با متداول‌وزیری مردم‌شناسی، این رشته را تا مقطع کارشناسی ارشد ادامه داده است. در طول این سال‌ها ده‌ها مقاله در نشریات علمی به چاپ رسانده و با تخصص ویژه‌ای که بر مردم‌شناسی حوزه فرهنگ یزد و میبد دارد، سرپرستی چندین طرح پژوهشی در این منطقه را بر عهده داشته است. مجموعه بزرگ چهل گفتار در مردم‌شناسی میبد حاصل پژوهش‌های او در آن منطقه است.

سفرنامه‌های جانب‌اللهی به بلوچستان را می‌توان در تداوم مردم‌نگاری‌های محمود زندمقدم از بلوچستان ارزیابی کرد. او مجموعه‌ای از تجربیات شخصی، مشاهده و گفت‌وگو با ساکنین بومی و مطلعین فرهنگی را با اسناد و مدراک در کنار یکدیگر گذاشته و روایتی مستند و در عین حال شیرین و خواندنی به وجود آورده است.

علاوه بر مردم‌شناسان و یا کارشناسان سازمان‌ها و نهادهای دولتی از سازمان برنامه گرفته تا وزارت کشاورزی و... در این دوران بلوچستان مورد توجه طیف‌های دیگری از پایتخت‌نشینان نیز هست. در میان سیاحت‌نامه‌هایی از این دست در دهه پنجاه، جای یک سفرنامه خالی است و آن شرح سفر فوزیه مجد، آهنگساز و پژوهشگر موسیقی قومی به بلوچستان است. روایت مختصری از سفر مجد به بلوچستان در بروشور چند اثر صوتی، حاوی ضبط‌های او از موسیقی آن دیار منتشر شده که خواندنی است. از ایشان خواستم تا این مختصر را با اتکا به یادداشت‌ها و خاطراتی که از این دوران دارد، بسط دهد و در اختیار بگذارد. خواسته‌ای که اجابت شد اما به چاپ نخست این مجلد نرسید. فوزیه مجد در دهه پنجاه برای ضبط موسیقی و در عین حال انتخاب نوازندگانی برای شرکت در جشن هنر، همراه با بیژن صفاری نقاش به قلب مکران سفر می‌کند. او رئیس بنگاه حمایت از مادران در ایرانشهر را به یاد می‌آورد که جایی برای خواب و استراحت به آن‌ها داده است. بنگاه حمایت از مادران ساختمان مجللی داشته که در میان ساختمان‌های موجود در آن شهر متمایز بوده و در نبود هتل مناسب برای اقامت، یک امکان ویژه قلمداد می‌شده است. آن‌ها صبح برای ضبط و گردآوری موسیقی می‌رفتند و شب بازمی‌گشتند. علاوه بر مجد و همراهانش، گروه‌های دیگری با گرایش سیاسی به خصوص چپ برای تحقیقات به آن منطقه سفر کرده بودند و در محل استقرار آن‌ها حضور داشتند. فوزیه مجد به یاد می‌آورد که تضاد و تفاوت رویکردهای آنان بی‌آنکه چیزی به زبان بیاورند، حتی در تیپ و رفتار اجتماعی دو گروه به خوبی نمایان بوده است.

رویکردهای متفاوت نظر به مسئله بلوچستان در این دوران که در کنار هم شکل گرفته و بخشی از تاریخ مطالعات فرهنگی بلوچستان را رقم زده، بسیار حائز اهمیت است. همزمان که گروهی از سازمان‌ها و نهادهای برنامه‌ریزی و مدیریت کشور به بلوچستان سفر می‌کنند، فرصت برای حضور نگاه‌هایی از بیرون به فرهنگ بلوچستان نیز فراهم شده است. به این ترتیب همزمان که نمایندگانی از شرکت‌های بین‌المللی برنامه‌ریزی و توسعه، نظیر ایتال‌کنسولت

به بلوچستان سفر می‌کنند و کارشناسان برنامه و بودجه، وزارت کشاورزی و یا ناظران اجرای برنامه‌های پنجم توسعه حضور دارند و به موضوعات متعدد توسعه در استان توجه می‌کنند، هنرهای سنتی و به خصوص سوزن‌دوزی و موسیقی بلوج موردن توجه بخشی از طبقات مرفه جامعه و حتی دربار قرار گرفته است. در برابر این افراد و یا نهادها، همزمان گروه‌های سیاسی وابسته به چپ و احزاب اپوزیسیون هم بلوچستان را موردن توجه قرار داده‌اند و انگشت اشاره را به‌سوی اختلاف فاحش و تبعیض عمیق میان توسعه‌نیافتنی این منطقه با پایتخت دراز کرده‌اند.

وقوع انقلاب نقطه عطفی در ایجاد رویکردهای تازه به بلوچستان ایجاد می‌کند. حالا گروه‌های سیاسی و احزاب اپوزیسیون دیروز که نمایندگان دولت انقلابی تازه هستند، با اندیشه‌های آرمان‌خواهانه و انقلابی، بلوچستان را موردن توجه قرار می‌دهند.

ابراهیم مختاری سومین مسافر این مجلد و نویسنده نخستین سفرنامه پس از انقلاب در این مجموعه است. مستندساز شناخته شده ایرانی سال ۵۹ برای ساخت فیلمی درباره نابسامانی‌های بلوچستان به سفارش تلویزیون راهی آن سرزمین می‌شود. مختاری می‌گوید: «فکر کردم اگر نابسامانی‌های به‌جامانده از سالیان پیش از انقلاب را که در بلوچستان به ما ارث رسیده است تصویر کنم، توجه و علاقه انقلابی‌ها را که می‌خواستند عالم و آدم را اصلاح کنند و خودم را هم جزو آنان می‌دانستم، به این ناحیه خواهم کشاند.»

او با نگاه تیرین یک مستندساز، گاه از روایت جزئیاتی در حد تعداد قاب‌های عکس یز دیوار، کارکردهای نمادین دوره جدید و در عین حال نگاه تصویری خود به واقعیات پیرامون را منعکس می‌کند.

مختاری متولد ۱۳۲۶ در بابل است. در مدرسه عالی تلویزیون و سینما تحصیل کرده و پس از آن به فرانسه رفته و مصادف با انقلاب ۵۷ از دانشگاه پاریس هشت فارغ‌التحصیل شده است. نخستین فیلم مستند او با نام چابک‌سوار درباره ترکمن‌صحراست. وقوع انقلاب نگاه او را معطوف به روستا می‌کند؛

به طوری که بخش مهم مستندهای او در طی چند دهه گذشته، به شیوه زیست جامعه روستایی اختصاص داشته و جوازی بین‌المللی متعددی برای ساخت آن‌ها دریافت کرده است.

اما مسافر روزگار انقلاب و جنگ و آرمان‌خواهی دهه شصت در این مجموعه، کمال‌الدین غراب است. او در روزهای پر تلاطم بعد از انقلاب و در ایام جنگ به بلوچستان سفر می‌کند. مانند بسیاری از جوانان پرشور آن روزگار، مسئله توجه به جامعه روستایی ایران را در اولویت اهداف آرمانی خود قرار داده و فرصت تحصیل در فرنگ را به همین دلیل کنار گذاشته است. در آن روزگار غراب از طریق کتاب‌هایی، با موضوع پژوهش‌های جامعه‌شناسی روستایی آشنا شده بود. در روزگار جبهه و جنگ به خط مقدم می‌رود و به عنوان خبرنگار افتخاری برای روزنامه کیهان گزارش‌هایی از وقایع جنگ می‌نویسد. در اهواز آشنایی او با جلیل ولی‌بیک که نماینده روزنامه کیهان در آن شهر بود، زمینه را برای سفرهای بیشتر او به مناطق قومی ایران فراهم می‌کند. نخستین سفر او به کهکیلویه و بویراحمد و دیدن سرزمینی بکر و توسعه‌نیافته است. مناطقی که در آن جاده‌ای برای ترد نیست و باید بخش‌های زیادی از آن را با پای پیاده رفت؛ وضعیتی که او آن را با روستای زیارت بلوچستان مقایسه می‌کند. گزارش‌های غراب از سفر به کهکیلویه و بویراحمد با عکس‌هایی از جلیل ولی‌بیک در هفت شماره از روزنامه کیهان به چاپ می‌رسد. در جبهه او با گروه‌هایی از جهاد سازندگی آشنا شده بود. آن‌ها در پی تشکیل شوراهای روستایی بودند و طرح شناسنامه روستایی برای آبادی‌های کشور را هم غراب به آن‌ها می‌دهد. در آن ایام درگیری‌های مرزی و منطقه‌ای، برخی از مناطق بلوچستان را ناامن کرده بود و مأمورانی از جهاد کشاورزی در این میان به قتل رسیده بودند. آشنایی غراب با فعالین جهاد، او را نسبت به بلوچستان کنجکاو می‌کند و طرح سفر به آن سرزمین را با روزنامه کیهان در میان می‌گذارد. این بار هم جلیل ولی‌بیک همسفر اوست و برخی از عکس‌های سفرنامه را می‌گیرد؛ سفرنامه‌ای که از فروردین تا تیرماه ۱۳۶۳ در چند شماره مسلسل روزنامه کیهان منتشر شده است.

کمالالدین غراب متولد ۱۳۳۵ است. او نگاهی آرمان‌گرا دارد و با آرمان‌خواهی انقلابی در سال‌های نخست انقلاب، مجدوب جوامع روسایی و عشایری ایران شده است. در پیشگفتار بلوچستان یادگار مطروح قرون انگیزه اصلی از نوشتن این سفرنامه را همانا احساس خشم و غضب نسبت به عده‌ای می‌داند که «از برخورد با اندام تکیده و چهره سوخته و قلب ساده و در عین حال مظلوم بلوچ‌ها» در سینه‌اش احساس می‌کند. به عقیده او «اقوام ایرانی هر یک به نوبه خود روزگاری دراز مطروح عدالت بودند».

کمالالدین غراب در نوجوانی به تاتر و نمایش علاقه‌مند می‌شود در گروه‌های فعال تاتر و نمایش در مشهد به عنوان بازیگر به روی صحنه می‌رود. در سال ۵۸ نخستین نمایشنامه خود با عنوان بر بلند ایمان، سلمان را در مشهد به چاپ می‌رساند. واقعه انقلاب اسلامی و تبعات آن، او را به سوی تحقیق و پژوهش در مطالعات اسلامی و قرآن‌پژوهی می‌برد و آثاری در اینباره منتشر می‌کند، از جمله کتابی با عنوان مباهله پیامبر با مسیحیان نجران اثر لویی ماسینیون که از عربی به فارسی برگردانده و بر آن شرحی نوشته است. در این میان چند تکنگاری درباره کویر ایران را به انجام رسانده است. غراب پس از دو دهه کنار گذاشتن تاتر، بار دیگر از دهه هشتاد آثاری را در مشهد به روی صحنه برده است. از او چهار کتاب در حوزه تحقیقات اسلامی و دینی و چهار نمایشنامه به چاپ رسیده است.

محمد رضا درویشی پنجمین مسافر بلوچستان در این مجلد است. شرح راه و مسیری که دانشجوی آهنگسازی دانشگاه تهران و علاقه‌مند به موسیقی مدرن قرن بیستم را در کمتر از یک دهه بعد، برای گردآوری و جست‌وجوی موسیقی، بدل به مسافری دائمی در راه‌ها و مسیرهای منتهی به دورترین نقاط ایران می‌کند، خود حکایت و روایتی خواندنی است که امیدوارم قلم به دست بگیرد و قصه آن را بنویسد. اما دست‌کم در روایتی که از او شنیده‌ام نخستین آتش را در او خواندن نوشته‌ای از فوزیه مجدد در حاشیه جشن هنر شیراز روشن کرده است؛ یادداشتی با عنوان نفیرنامه که متأثر از نگاه روشن‌فکران شاخص ایرانی آن دوران از جمله جلال آل احمد و داریوش شایگان است. در آن دوران روشن‌فکران ایرانی در حلقة

انجمان حکمت و فلسفه سعی دارند با طرح اندیشه بازگشتن به خویشتن، در برابر چالش فلسفی و فرهنگی مواجهه با غرب، جایگزینی بیابند. دیدگاه‌های آنان بسیاری از حوزه‌های دیگر فرهنگ و هنر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله در نقاشی که از آن مکتب سقاخانه بیرون آمد. نفیرنامه مجد را نیز می‌توان در زمرة آثاری دانست که از فضای قالب روشنفکری آن دوران اثر گرفته‌اند. این دیدگاه در موسیقی پس از انقلاب توسط محمد رضا درویشی ترویج شده است.

موسیقی پس از انقلاب تا سال‌ها ممنوع بود و جشنواره‌های دولتی و نهادهای انقلابی تنها فرصت برای حیات دوباره بخشی از فرهنگ محسوب می‌شدند. در این میان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، متولی جشنواره‌های موسیقی قومی شد. حالا درویشی فرصتی یافته بود تا به عنوان پژوهشگر برای شناسایی موسیقی و انتخاب نوازندگان به اقصی نقاط ایران سفر کند. «هفت اورنگ»، مروری بر موسیقی سنتی و محلی ایران» نخستین جشنواره از این دست است که به کوشش بهمن بوستان و محمد رضا درویشی برگزار شد و غیر از رویداد مناسبتی موسیقی فجر، فرصتی برای اجرای موسیقی و تجلیل از استادان موسیقی دستگاهی و نوازندگان شاخص موسیقی قومی به وجود آورد. نخستین سفر درویشی به بلوچستان نیز مقدمه‌ای بر این جشنواره بوده است. سفرنامه او از وجود ناشی از مواجهه با جلوه‌های بدیع فرهنگ اقوام ایرانی، به متنی ادبی پهلو می‌زند و روایتی متفاوت را رقم زده است. اما مهم‌ترین دستاوردهای سفرهای او به اقصی نقاط ایران و پژوهش در موسیقی قومی، گردآوری و ثبت سازهای موسیقی اقوام بوده که دو مجلد آن با عنوان داننه‌المعارف سازهای ایران به چاپ رسیده است.

و اما آخرین مسافر این دفتر، نگارنده این سطور است. متن پایانی مجموعه سفرنامه‌های معاصر بلوچستان به شرح دو سفر من در سال‌های ۷۹ و ۸۰ اختصاص دارد و پایان‌بخش این سه مجلد شده است. تغییرات مختصری در این دو متن صورت گرفت و اطلاعات اندکی به آن اضافه شد، اما نثر و نگاه آن تغییری نکرد. هر چند باید اذغان کنم که امروزه رویکرد این متن را نمی‌پسندم

و منتقد سرسخت نگاه های پاستورال به حوزه فرهنگ قومی هستم؛ نگاه هایی و امداد اندیشه های سرخ که ستایش از معصومیت و صفاتی زندگی ساده روستایی را بهانه ای برای نکوهش از دستاوردهای عقلانیت شهری قرار می کرد و به فقدان عقلانیت این روزگار ما دامن زد. سفرنامه ای که بیست سال پیش نوشته ام را اگر آن زمان شاعرانه می پنداشتم، حالا اسیر احساساتی گری می دانم؛ رویکردی که اتفاقاً برای پیشرفت پایدار در مناطق توسعه نیافته، ناکارآمد و گاهی حتی مضر است. اگر دهه چهل و پنجاه دیدگاه های نقادانه چپ به سیاست های توسعه با اتکا بر ایدنولوژی، از ابزار شاعرانگی و یا احساسات گرامی برای تهییج افکار عمومی بهره می برد و جامعه روشنفکری ایران را تحت تأثیر قرار داده بود، در دهه های بعد و با فروپاشی ایدنولوژی، تنها احساسات غلوآمیزی باقی ماند که در بیان مسائل و مصائب جوامع قومی و تحلیل های اجتماعی و سیاسی، الکن بود و یا در مرز میان شعر و هذیان قرار می گرفت. نسل من تحت تأثیر تتمه این رویکرد، در مواجهه با موضوعاتی به شدت عینی در ارتباط با مسائل قومی، ملی و اندیشه سیاسی، در چنین تب و هذیانی روزگار گذارند و وا اسفا اگر چنین میراثی را برای نسل بعد باقی گذاشته باشد. چنین رویکردی در برابر مطامع بیگانان که همواره تهدیدی برای تمامیت ارضی و منافع ملی ایران بوده است، نه تنها ابزاری برای دفاع ندارد، بلکه به سادگی اسیر عصیت قومی شده و تحت تأثیر مجموعه ای از روایات جعلی بر اساس دستکاری تاریخ، آب به آسیاب جدایی طلبان می اندازد. امروزه بیش از هر چیز به حقایق تاریخ و مستندات دقیق تاریخی نیاز داریم و مهمتر از همه برای ترقی و عمران جوامع روستایی و پیشرفت مناطق توسعه نیافته ایران، نیازمند تخصص، برنامه ریزی و صدالبته فرهنگ هستیم.

این مجلد گرد نمی آمد مگر با لطف نویسنده ای آن که از سر دوستی و نیز مهر و توجهی که همچنان به بلوچستان دارند، انتشار این مجموعه را مفید دانستند و بازخوانی و تدوین برای انتشار مجدد آن را به اینجانب سپردند.

از آقای محمد برقی بسیار سپاسگزارم. مصاحب و گفت و گوی طولانی ما از راه دور و شرح خاطرات و تاریخی که بر او گذشته همیشه در خاطرم خواهد ماند. از آقای ابراهیم مختاری ممنونم که با پیگیری و حس مسئولیتی ستودنی اجازه انتشار این بخش از یادداشت‌های خود را از ناشر قبلی گرفت و به این مجموعه سپرد. جای خرسندی است که دست نوشته‌های ایشان درباره بلوچستان با تصاویری درخشنan در قالب مجلدی مستقل منتشر خواهد شد. آقای محمد سعید جانباللهی مردم‌شناس سخت‌کوش نیز این لطف را کرده‌اند و دو سفرنامه مربوط به دو دهه مختلف را در اختیارم قرار دادند. از ایشان بسیار سپاسگزارم و همچنین مدیون کمال الدین غراب هستم که علاوه بر سفرنامه خود، تصاویر بدیعی از آن دوران بلوچستان، بهخصوص عکس‌هایی از حسین پرتوى، عکاس نامدار و فقید مطبوعات را در اختیارم گذاشت..

محمد رضا درویشی را دو سپاس باید بگوییم؛ او بود که نخستین بار مرا متوجه فرهنگ بلوچستان کرد. سرزمینی که پیش از آن می‌شناختم، با دریچه‌ای که او برایم به سویش گشود، بسیار متفاوت بود. به همین سبب همیشه قدردان او هستم. همچنین برای اینکه فرصت انتشار مجدد این سفرنامه را در مجموعه «پژوهش‌های ایران فرهنگی» مهیا کرد از او متشکرم.

در این کتاب نیز به شیوه مجلدات دیگر این مجموعه، حواشی و پانویس‌هایی که اینجانب به صفحات افزوده‌ام با علامت اختصاری -ش. مشخص شده است. یک قرن سفرنامه بلوچستان با این مجلد به پایان می‌رسد اما سفر را پایانی نیست و مسافر همچنان سالگ و عابر و رهسپار است.

محسن شهرنازdar